

عنوان مقاله:

**شناسایی و طبقه بندی نیاز های شناختی و اطلاعاتی روستائیان
در حیطه های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه ای**

نویسنده:

دکتر غریب فاضل نیا

چکیده:

در روزگاری که نه «خواندن کلمه» که «خواندن جهان» شرط اساسی بقاء ملت‌ها، جوامع و واقعیت بخشیدن به گفت و شنود میان افراد، سیاست‌گزاران، سازمانها و نهادها و حتی تمدنها است و نیز پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع (شهری و روستایی) به مشارکت آزادانه و آگاهانه عموم مردم مطلع و آگاه بستگی دارد، تلاش در جهت آگاه‌سازی و ارتقاء سطح دانش و توسعه دامنه سواد اطلاعاتی ساکنین جوامع روستایی، یک نیاز ضروری و شایسته توجه می‌باشد. این ضرورت بویژه در سالیان اخیر اهمیت مضاعف نیز یافته است. تصور بر این است که شناخت و آگاهی روستائیان از، و به طور کلی داشتن شناخت‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف، می‌تواند آنها را در رویارویی با چالش‌های فراروی زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای مجهزتر کند. این بدان معنی است که کسب دانش و توسعه دامنه اطلاعاتی روستائیان، - متناسب با مقتضیات زندگی و معیشت روستایی که گستره‌ای از موضوعات متنوع را نیز دربر می‌گیرد- و به طور کلی فراگیری قواعد بازی زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای می‌تواند منشأ تفکرات، تصمیمات و اقدامات خردمندانه‌تری در شئون مختلف فوق توسط ایشان باشد.

قاعداً، اقدامات معطوف به آگاه‌سازی و توسعه دامنه سواد اطلاعاتی روستائیان، مستلزم داشتن رهیافتی کارآمد و نیز برنامه‌های اقدام می‌باشد. در این بین رهیافت ترویج روستایی به عنوان راهبردی اساسی مطرح می‌باشد، که انتظار می‌رود با بکارگیری آن، روستائیان را در برقراری یک تعامل سازنده و پایدار با محیط پیرامون و شرایط همواره در حال تغییر مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یاری کرده و به مثابه محرکی انگیزشی، روستائیان و مناطق روستایی را از قید «بی‌خبری و ناآگاهی» رهانیده و آنها را با قافله تمدن همواره در حال پیشرفت بشری همگام سازد و در نهایت زمینه‌های تحقق جامعه اطلاعاتی روستایی - که پویایی، تحرک و نقش آفرینی متناسب با شرایط زندگی در عصر اطلاعات و ارتباطات از مشخصه‌های بارز آن است - را فراهم آورد. گام اول در ارائه الگوی بهینه برنامه‌ریزی ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی، همانا تبیین، شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای شناختی و اطلاعاتی روستائیان در حیطه‌های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای می‌باشد. بر این اساس این مقاله با درک اهمیت این موضوع، در صدد است با کنکاش در متون علمی و بهره‌گیری از تجارب، مطالعات شخصی و نیز نتایج برخی مطالعات میدانی، با تبیین، شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای شناختی و اطلاعاتی روستائیان در حیطه‌های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای، داده‌ها و اطلاعات پایه را برای تدوین و ارائه برنامه‌های ترویج روستایی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: شناسایی، طبقه‌بندی، نیازهای شناختی و اطلاعاتی روستائیان، حیطه‌های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای.

مقدمه:

در توسعه همه جانبه و پایدار روستایی، تأکید اساسی بر وسیع تر نمودن شقوق انتخابی پیش روی مردم (پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، ص ۴۶)، آشکار کردن آنچه در درون افراد و یا جوامع نهفته است (ارتقاء توانشها، ظرفیتها و پتانسیل‌های بالقوه انسانی و محیطی)، که عمدتاً در قالب مکانیسم‌های «ظرفیت‌سازی»^۱ و «توانمندسازی»^۲ عینیت می‌یابند، می‌باشد (Stein. J, 1997, p.8). بر این اساس، آنچه از دیگران (سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعه روستایی) انتظار می‌رود و می‌توانند انجام دهند، در بهترین حالت، ارائه راهبردهای بهینه‌ای است که به ایجاد و ساخت فضای اجتماعی قابلیت‌زا و محیطی که توسعه را ترغیب کند، نه اینکه توسعه را ایجاد کند، منجر شود، چرا که در نگرش جدید، توسعه می‌تواند پرورش یابد و نه آنکه ایجاد شود (بورن. آد، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲).

چنین برداشتهای واقع‌گرایانه و جدید از تعریف و مفهوم توسعه پایدار، منجر به خلق مفاهیم و انگاره‌های جدیدی در توسعه و بویژه در توسعه روستایی شده است. مفاهیمی همچون «توسعه مردم محور»^۳، «توسعه کشاورز محور»^۴، «کشاورز نخست»^۵ و «آخر نخست» و مانند اینها، جملگی از مفاهیمی به شمار می‌روند که منبعث از تفکر جدید توسعه پایدار روستایی‌اند و همگی بر یک قضیه ساده اما مهم متفق‌القول و استوارند و آن اینکه: توسعه واقعی در درجه اول نه تنها در زمینه اقتصاد، اهداف کمی - تولیدی، بلکه در زمینه توسعه مردم، بالا بردن منزلت آنها به عنوان انسان و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی آنها رخ می‌دهد (باتملی. ترور، ۱۳۸۲، ص ۴). به این اعتبار در کلیه سطوح توسعه و بویژه در سطح مناطق روستایی، مسأله بنیادین برای مردم عبارتست از: برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و منابع اطلاعاتی به منظور آگاهی یافتن به توانشهای خود و محیط پیرامون و توانایی نیل به منابعی که برای پدید آوردن سطح مناسب زندگی لازم است (ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

نتیجه اینکه، هر راهبردی که در تعقیب تحقق بخشیدن به اهداف توسعه پایدار روستایی بکار گرفته شود، الزاماً باید بر ارتقاء تواناییها، آگاهیها، مهارتها و اعتماد به نفس افراد و نیز بر توان آنها در کنترل خردمندان و بیشتر بر محیط خویش تأکید نماید.

«دیدگاه توسعه ظرفیتی»^۶ ایده کاملتر این مفهوم‌سازی‌ها بشمار می‌رود. دیدگاه توسعه ظرفیتی که براساس مفروضات آن، افراد، گروهها، سازمانها، نهادها و جوامع، تواناییهای خود را جهت انجام مؤثر، کارآمد و پایدار وظایف و نقش‌های خود و همچنین تعامل با یکدیگر و محیط پیرامون افزایش داده و بهبود می‌بخشند، به عنوان نگرش غالب دیدگاههای توسعه در بین اندیشمندان و سازمانهای بین‌المللی مربوطه مورد توجه قرار گرفته است (پیربابایی، محمدتقی، ۱۳۸۱، ص ۲-۲)، (Denmar. K. S. E, (2003)، (Murray. M, Dunn.L, 1995, pp. 89-97).

این دیدگاه در طول دهه گذشته به یک مفهوم و ایده که فکر می‌شود، ایده‌ها و درس‌های زیادی از فعالیتهای توسعه گذشته گرفته، تبدیل شده است (پیر بابایی، محمدتقی، ۱۳۸۲، صص ۹ و ۱۰). دیدگاه توسعه ظرفیتی، در راستای تحقق اهداف توسعه انسانی پایدار دو انگاره بدیع «ظرفیت‌سازی» و «توانمندسازی» را مطرح نموده است. هر دو مضامین فوق، متضمن بکارگیری راهبردهای نوین و با جهت‌گیری از پایین به بالا که عمدتاً نیز در قالب استراتژیهای ارتقاعی عینیت می‌یابد، می‌باشد.

مکانیسم‌های توانمندسازی و ظرفیت‌سازی که برای ارتقاء بخشی به توانشها و پتانسیل‌های بالقوه و متروک مانده

1 - Capacity Building
2- Empowerment
3- People – centered development
4 -Farmer – centered development
5 - Farmer - first
6 - Capacity development approach

انسانی و محیطی افراد و جوامع در جهت رشد و تعالی و تا رسیدن به مرحله «خودباوری» (خودباوری عبارتست از شناخت توانمندیهای ذهنی، اخلاقی و ... خود و داشتن این باور که با بکارگیری این توانمندیها می‌توان در جهت رشد خود گام برداشت و موفق شد (حمیدی، علی. علی حمیدی، منصور، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹) و «خودتکایی»^۱ (خودتکایی نمودی است از ایمان و اعتقاد شخص به توانشهای خود) - نقطه اوج بالندگی انسانی - تأکید دارند، از جمله استراتژیهای ارتقاعی محسوب می‌شوند (پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴)، (Narayan. D, 2002, p.1-2).

در واقع دیدگاه توسعه ظرفیتی، درصدد است تا در قالب دو پارادایم توانمندسازی و ظرفیت سازی به حل یکی از مشکلات اساسی موجود در سطح خرد، که همان رده‌های فردی و خانوادگی می‌باشد و آن عدم «شناخت محدودیت‌ها»^۲ - شناخت محدودیتها یعنی میزان آگاهی انسان از این که، چه قیود یا موانعی، در یک وضعیت خاص، آزادی عمل او را برای تنظیم رفتار خود محدود می‌کنند - (ویندال. سون، سیگنایتزر. بنو، اولسون. جین، ۱۳۷۶، ص ۴۴)، و نیز عدم شناخت کافی نسبت به توانشهای بالقوه خود و محیط پیرامون در جهت ارضای نیازهاست، مبادرت ورزد.

کیفیت توانایی افراد، در تعیین و شناخت محدودیتها، اولویتها و نیز شناسایی توانشهای خود و محیط پیرامون، برای نیل به اهداف اولویت‌دار که از آن به «مهارت‌های شناختی» تعبیر می‌شود (انگبرگ، لیل، ۱۳۷۷، ص ۳۵)، در میزان شناخت و آگاهی (دانایی) آنان از این قضایا نهفته است. به استناد همین نگرش در عصر دانایی، توسعه پایدار یک کشور، یک جامعه و حتی افراد، تا حدود زیادی به چگونگی توسعه و بهبود منابع انسانی آنها که آن نیز در کیفیت دانش، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنها در مواجهه خردمندانه با مسایل تجلی می‌یابد، بستگی دارد (ستاری فر، محمد، ۱۳۷۴، ص ۱۹۷).

از این رو، امروزه این ایده که در بین عوامل محرک و بسترساز برنامه‌های اقدام توسعه پایدار روستایی، شاید مهمترین عامل، ادراک، و آگاهی ساکنین مناطق روستایی از توانشهای خود و محیط پیرامون و به عبارتی فراگیری قواعد رفتار خردمندانه در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه ای باشد، مورد توجه و اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قرار گرفته است. لذا با مطالعه متون و ادبیات موجود در می‌یابیم، اغلب پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آموزشهای مبتنی بر آگاه‌سازی روستائیان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند.

(Baker. H.R, 1987, p.3-4), (Ramani. G, (1999), p.2).

در همین راستا، اینان بر این نظرند که امروزه زمینه‌های متنوع زندگی روستایی، ضرورت اقدامات معطوف به آموزش مبتنی بر آگاه‌سازی روستائیان در زمینه‌های متعدد را بیش از پیش نمایان ساخته است (Rinkerton.J.R, (Glazier.J.D, 1993)). همچنین تأکید دارند که نیازهای آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی روستائیان فراتر از نیازهای امور کشاورزی - که تاکنون محور اغلب استراتژیهای ترویجی و اطلاع‌رسانی روستایی بوده است - بوده و لذا ضرورت دارد ضمن بازنگری در استراتژیهای گذشته آموزشهای غیر رسمی، دانش و اطلاعات لازم در زمینه‌های مختلف را در اسرع وقت در اختیار عموم روستائیان قرار داد. گام اول در این راستا تبیین و تحدید حیطه‌های شناخت و به طور کلی سواد اطلاعاتی روستائیان است که در دستور کار این مقاله قرار دارد.

معنای لغوی و تعریف واژه‌ها و مفاهیم:

1- Self Reliance
2- Constraint recognition

- آگاهی^۱:

کلمه آگاهی به معنی مستحضر بودن، هوشیاری و آگاه بودن به کار برده شده است. علاوه بر مفاهیم فوق کلمات دیگری هم هستند که در فرهنگ عامیانه به معنی آگاهی بکار برده می شوند. برخی از مهمترین آنها عبارتند از خبر، اطلاع، علم، معرفت، دانش و شناخت (فاضل نیا، غریب، ۱۳۸۳).

- خبر:

در فرهنگ عمید خبر به معنای آگاهی، حدیث، آنچه از گفتار یا کردار به کسی گویند، مطلبی که برای آگاهی و اطلاع رسانی به مردم بگویند و یا بنویسند آمده است (عمید، ۱۳۶۹، ص ۵۸۷).

- اطلاع:

در فرهنگ عمید واقف گردیدن، آگاه شدن به معنی آگاهی و اطلاع تعریف شده است (عمید، ۱۳۶۹، ص ۱۰۸).

- علم:

در فرهنگ عمید، مترادف علم، یقین پیدا کردن، معرفت و دانش و آگاهی ذکر شده است (عمید، ۱۳۶۹، ص ۹۱۶).

- شناخت و آگاهی:

تعریف مفهوم «آگاهی» کاری سهل و ممتنع است، چرا که از طرفی به همه چیز تعلق می گیرد و کاربرد گسترده ای دارد، اما از طرف دیگر در تعریف آن با انبوهی از واژه ها و اصطلاحات مشابه مواجه می شویم که بعضاً با مفهوم آگاهی، فاصله معنایی بسیاری دارند.

مثلاً می توان برخی از مفاهیم مرتبط با مفهوم آگاهی را که مصطلح بوده و اغلب معنای آگاهی از آنها مستفاد می شوند به قرار زیر بیان نمود: شناخت، دانایی، اطلاع، اطلاعات، دریافت و فهم (ادگار، ۱۳۷۴، صص ۱۸-۱۷). به نظر می رسد استفاده از مفاهیم فوق به معنای آگاهی متأثر از فرهنگ و ادبیات ما فارسی زبانان باشد. در این ارتباط و در بیان پیچیدگی مفهوم معرفت آمده است:

«در فرهنگ و ادبیات ما فارسی زبانان، بین کلماتی چون معرفت، شناخت، دانش، خود، علم، فلسفه و حتی دین یا فرق اندکی گذاشته می شود و یا اینکه اصلاً آنها مساوی گرفته می شوند و به صورت جانشین به کار می روند.» (توکل، ۱۳۷۰، ص ۱۱).

با این همه ما برای دستیابی به یک تعریف سازگار با اهداف تحقیق حاضر تلاش می کنیم تا با ارائه تعاریف گوناگونی که از مقوله های شناخت، آگاهی، اطلاع، معرفت و مانند اینها شده است، به یک جمع بندی در این ارتباط دست یابیم. در تعریف شناخت برخی گفته اند:

«شناخت یعنی انعکاس جهان عینی در ذهن، ولی عده ای معتقدند که همه چیز را با شناخت تعریف می کنیم، ولی خود شناخت را نمی توان تعریف کرد، بلکه از قبیل امور عامه است که خود روشن است و احتیاجی به تعریف ندارد. زیرا شناخت یعنی «آگاهی» و آگاهی هم محتاج به تعریف نیست، چون برای همه روشن است» (طاهری آکردی، ۱۳۶۱، ص ۹).

مع الوصف، واژه «آگاهی» یا به مفهوم پیچیده تر و عمیق تر آن «شناخت» در گستره فلسفی، روان شناسی، جامعه شناسی و کاربرد روزمره معنای گوناگون را افاده می کند.

1 - awareness

لاک در کتاب خود بنام مقاله ای درباره فهم انسانی^۱، شناخت را چنین تعریف می کند:

«ادراکی که در ذهن خود شخص به وقوع می پیوندد»

مفهوم آگاهی به طور گسترده برای نشان دادن هر حالت ذهنی یا هر آنچه که دلالت برحالت ذهنی دارد، به کار می رود. به طور کلی، اگر آگاهی را در همه زمینه های دانش بشری، در اطلاق کلی بیداری نسبت به وضع خود و محیط بدانیم، شناخت که مرحله پیچیده تر و برتر آن است، به مفهوم آگاه شدنی توأم با تأمل بر کار کردهای ذهنی فرد است. پائولو فریره^۲ نیز در بکارگیری این مفهوم، هم معنای «آگاهی» و هم معنای «شناخت» را در نظر دارد و آن را با رهیافتهای گوناگون فلسفی، آموزشی، جامعه شناسی و روان شناختی تبیین می کند.

در واقع او روند حرکت بالنده فرد را در دو مقطع «آگاهی» که مرحله اولیه بیداری نسبت به وضع غرق بودن در واقعیت است و «شناخت» که مرحله بعدی است، یعنی آموزش روابط علت و معلولی پدیده ها و دریافتن قانونمندی ذهن و تطبیق آن با واقعیت تحلیل می کند (فریره، ۱۳۶۸، ص ۸-۷).

باید توجه داشت که اساساً مسئله شناخت، چهره غالبش فلسفی است. علی شریعتمداری، از منظر فلسفی به مفهوم معرفت (شناخت و آگاهی) نگریسته و در تعریف آن می گوید:

منظور از معرفت^۳ چیزی است که در اثر برخورد فرد با محیط در ذهن او ایجاد می شود. معرفت از جهتی شامل مهارتها، عادات، اطلاعات، عقاید، احساسها و افکار می باشد. وقتی درباره امری اظهار نظر می کنیم، کلماتی مانند علم دارم، آگاه هستم، آشنا می باشم، یقین دارم، حدس می زنم و عقیده دارم را به کار می بریم. روی این زمینه، برای معرفت می توان درجاتی قائل شد (شریعتمداری، ۱۳۶۴، صص ۳۹۲-۳۹۱). براین اساس ایشان سه نوع دسته بندی از اقسام معرفت ارائه می دهد و بیان می دارد: معمولاً معرفت را به معرفت ۱- مستقیم - با واسطه ۲- معرفت حسی - مفهومی و ۳- معرفت جزئی - کلی تقسیم می کنند.

معرفت مستقیم، یعنی آنچه بدون واسطه، یا به عبارت دیگر بدون استنباط و تفسیر در مقابل ذهن ظاهر می شود. معرفت با واسطه یعنی آنچه در اثر استنباط یا تفسیر، که خود مربوط به تجربیات گذشته است، درک می شود. ادراک هر چیز تحت تأثیر تجربیات گذشته ما قرار دارد. معرفت حسی، چیزی است که از طریق حواس درک می گردد و آنچه از طریق حس وارد ذهن می شود را شامل می شود. معرفت مفهومی، حاصل اقدام ذهن آدمی به تشکیل مفاهیم درباره امور خارجی است. معرفت جزئی به یک فرد یا چیزی معین تعلق می گیرد و معرفت کلی، شامل افراد یا اشیاء متعدد می شود (شریعتمداری، ۱۳۶۴، صص ۴۰۰-۳۹۷). ایشان همچنین در خصوص کاربرد کلمه معرفت در مفهوم شناخت و آگاهی بیان می دارد:

کلمه معرفت (شناخت و آگاهی) را ممکن است در موارد مختلف استعمال کرد. گاهی معرفت به امری، یعنی آشنا بودن با آن و زمانی به معنی برخورد داشتن به آن یا تجربه کردن آن امر می باشد. در پاره ای از موارد معرفت داشتن به چیزی، یعنی تشخیص آن و آگاهی از نوع و ماهیت آن است (شریعتمداری، ۱۳۶۴، ص ۴۳۸).

منوچهر محسنی، در اثر پژوهشی خود تحت عنوان «بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» تعریفی از «آگاهی» به نقل از جان کولتز بیان کرده و سپس تعریف خویش را از این واژه ارائه می دهد: «آگاهی» فرآیند سازماندهی، تعبیر، تفسیر و ارتباط اطلاعاتی است که از سوی حواس جمع آوری می شود (محسنی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷). به این اعتبار، دانش در مفهوم آگاهی، عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات منظم، تفسیر شده و مرتبطی که هریک از ما آن را دارا هستیم. این آگاهیها، در طیف وسیعی از خرافات و روشهای سنتی و قومی تا الگوهای علمی (ناشی از علوم

1 - AN Essay Concerning Human Understandings

2 - Paulo Freire

3 - Knowledge

و فنون) قرار گرفته است و عوامل متعددی مانند سازمانهای آموزشی - ترویجی، دوستان و آشنایان، سازمانهای علمی و وسایل ارتباط جمعی در تکوین آن دخالت دارند (محسنی، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

شناخت و آگاهی به عنوان مؤلفه ای اساسی در فرآیند توسعه انسانی پایدار:

بحرانهای فراروی کشورهای جهان سوم و بویژه در سطح مناطق روستایی آنها، بحرانهایی نیستند که بتوان با کمک های فوری، اضطراری و یا دخالت و میانجیگریهای سیاسی مقطعی و کوتاه مدت آنها را مرتفع نمود. تبدیل این تهدیدها به فرصتهایی برای توسعه، به روند آرام، طولانی و مستمر سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرای گام به گام و همه جانبه آنها در چارچوب توسعه پایدار انسانی نیازمند است.

در این میان خودشناسی، آگاهی و شناخت روستائیان از پتانسیلهای بالقوه محیطی، همواره یکی از الزامهای فرآیند توسعه پایدار روستایی بوده است که کمتر مورد توجه صاحب نظران، برنامه ریزان و دست اندکاران بوده است. بر این اساس یک اصل اساسی و پذیرفته شده در توسعه انسانی پایدار این مسئله است که جوامع باید یاد بگیرند که چگونه خودشان نیازها، گزینه‌ها و منابع و امکانات محلی را ارزیابی کنند (آید و تیلر، ۱۳۷۸، ص ۱۴). از طرفی، یکی از مشکلات موجود در سطح خرد، که همان رده های فردی و خانوادگی است، عدم شناخت کافی افراد نسبت به منابع و ظرفیتهای بالقوه آنها در جهت ارضای نیازهاست.

این مسئله صاحب نظران و نظریه پردازان توسعه روستایی را به این باور رسانده است که رشد و توسعه ظرفیتهای شناختی روستائیان که در چارچوب رویکرد توسعه انسانی پایدار روستایی متجلی می شود بر سایر وجوه توسعه روستایی اولویت دارد. به این اعتبار می توان، توسعه انسانی پایدار روستای را عامل کلیدی واز پیش شرطهای ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی قلمداد نمود. بر این اساس دستیابی به توسعه انسانی پایدار که در قالب رهیافت توسعه انسانی اعمال می شود مستلزم بهره گیری از رویکردهایی است که روستائیان را در کانون توجه قرار داده و بر نقش آفرینی مردم روستایی تأکید دارند. از این منظر استفاده از شیوه‌ها و روشهای ترویجی و اطلاع رسانی روستایی به منظور ارتقاء سطح آگاهیهای روستائیان در زمینه‌های مختلف مورد توجه قرار می گیرند. (فاضل نیا، غریب، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه (۱۳۸۶).

بدون شک گام نخستین در تهیه و تدوین برنامه های اقدامی ترویج روستایی، شناسایی، و طبقه بندی نیازهای شناختی و اطلاعاتی روستائیان در حیطه های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه ای است که در مبحث بعد به آن می پردازیم.

تحدید حیطه های شناخت روستائیان:

باتوجه به گوناگونی در فضای جغرافیایی، پیچیدگی روابط اجتماعی و پدیده‌های انسانی و نیز تغییرات سریع و روز افزون در ابزارها، شیوه‌های زندگی و همچنین سلطه شبکه‌های دانش واز همه مهمتر الزامات جامعه اطلاعاتی روستایی، آگاهی از توانشهای خود و محیط پیرامون، می تواند روستائیان را در رویارویی با چالش‌های زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای مجهزتر کند. این بدان معناست که کسب اطلاعات و پیدا کردن شناختهای گوناگون نسبت به توانشهای خود و محیط پیرامون و فراگیری قواعد بازی زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای می‌تواند منشأ تفکرات، تصمیمات و اقدامات خردمندانه‌تری - آگاهی پیش درآمد عمل توأم با اطلاع است (پویان، حسن، ۱۳۷۹، ص ۱۸) - در

شئون مختلف زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای انسان باشد. حیطه‌های شناختی روستائیان، متناسب با مقتضیات زندگی و معیشت روستایی، گستره‌ای از موضوعات متنوع را دربر می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را در سه طیف به شرح ذیل طبقه‌بندی نمود (انگبرگ، لیلا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۷)، (فاضل‌نیا، غریب، افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، ۱۳۸۴).

الف) حیطه شناخت روستائیان در زندگی شخصی (فردی) و محیطی

ب) حیطه شناخت روستائیان در زندگی اجتماعی

ج) حیطه شناخت روستائیان در زندگی حرفه‌ای (شکل ۱)

۱- حیطه شناخت روستائیان در زندگی شخصی (فردی):

نظر به اینکه توسعه منابع انسانی از طریق راهبردهای آموزش غیر رسمی مبتنی بر آگاه‌سازی، ترویجی و اطلاع‌رسانی از خانه شروع می‌شود و در همانجا هم استمرار می‌یابد، لذا منطقی است که بخشی از اقدامات ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی بر ارتقاء ظرفیتهای شناختی فرد برای ایفای نقش در خانواده متمرکز شود. بر این اساس برخی از مهمترین سواد و اطلاعات لازم جهت ایفای نقش روستائیان به عنوان اعضای خانوار به قرار زیر بیان می‌شود:

- ۱- برخورداری از دانش و مهارتهای لازم در زمینه حفظ سلامت، تغذیه و مراقبتهای بهداشتی.
- ۲- برخورداری از دانش و مهارتهای تصمیم‌گیری و حل مسئله درخصوص تخصیص و کاربرد بهینه منابع خانوار. مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری پیرامون امور مربوط به زندگی‌شان یک ضرورت شناخته شده است. مشارکت روستائیان در اموری که تصمیم‌گیری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، فرآیندی اکتسابی و دارای قابلیت بهسازی است. اساساً تصمیم‌گیری مهمترین عاملی است که درجهت تخصیص و مدیریت منابع گرفته می‌شود. این فرآیند، در واقع نوعی ارزشیابی است که تصمیم‌گیران را ملزم می‌سازد ابتدا راه‌های مختلف را سبک و سنگین کنند و سپس انتخاب نهایی و احسن را به عمل آورند. لذا در هر مقطع از تصمیم‌گیری پیش‌نیاز اساسی همانا داشتن شناخت صحیح و کافی از مسئله است. بدینسان نسبت رابطه شناخت و آگاهی با تصمیم‌گیری را می‌توان چنین توصیف نمود: اساساً آگاهی (شناخت) پیش‌درآمد عمل توأم با اطلاع است، تصمیم‌گیری یک عمل خردمندانه است، پس می‌توان گفت تصمیم‌گیری یک عمل توأم با اطلاع است که پیش‌درآمد آن شناخت و آگاهی است.

لذا نظر به اینکه شاید برای روستائیان، نخستین مرحله فرآیند حل مسئله و فائق آمدن بر مشکلات خود و محیط پیرامون، که همان مرحله شناسایی و تشخیص مسئله برای تصمیم‌گیری جهت حل آن می‌باشد، دشوارترین مرحله و نامحسوس‌ترین نیاز باشد، لذا ضروری است از طریق اقدامات مبتنی بر آموزشهای غیر رسمی آنها را در این زمینه یاری نمود.

- ۳- برخورداری از دانش و مهارتهای لازم برای مدیریت شرایط و منابع در راستای تحقق اهداف اولویت‌دار خانوار.
- ۴- برخورداری از دانش و مهارتهای موردنیاز برای برقراری رابطه متقابل، مذاکره و مباحثه و ایفای نقش ولی در قبال فرزندان.
- ۵- برخورداری از دانش و مهارتهای لازم برای تنظیم و هدایت امور خانواده، متناسب با مقتضیات و شرایط همراه با آینده‌نگری.
- ۶- آگاهیهای سیاسی جهت مشارکت فعال در صحنه‌های مختلف سیاسی، حضور آگاهانه در انتخابات، (به عنوان کاندید یا انتخاب‌کننده)، عضویت در انجمن‌ها، احزاب سیاسی و مانند آن.
- ۷- آگاهی‌های حقوقی، آشنایی اجمالی از حقوق فردی و اجتماعی خود، طرح دعاوی، عریضه نویسی، گرفتن وکیل

و مانند اینها.

۸- آگاهیها عقیدتی و دینی، ۹- آگاهیها زیست‌محیطی، ۱۰- آگاهیهای تاریخی، ۱۱- آگاهیهای جغرافیایی ۱۲- آگاهیهای انتظامی و ۱۳- آگاهیهای عمومی، اطلاع از اخبار روز، (اخبار محلی، منطقه‌ای، ملی، جهانی) که لازمه آن آشنایی با روزنامه‌ها، مجلات، نحوه کار با رایانه و منابع دریافت اطلاعات و نیز نحوه استفاده از اینترنت می باشد.

۲- حیطه شناخت روستائیان در زندگی اجتماعی:

حیطه شناخت روستائیان در زندگی اجتماعی، در برگرفته آن دسته از آگاهیها و مهارتهایی است که هوشیاری اجتماعی آنها را ارتقاء داده و زمینه را برای ایفای نقش فعال آنها در اجتماع و نیز بهره‌برداری از نهادهای محلی آماده می‌کند. برخی از مهمترین‌سواد و اطلاعات لازم برای ایفای نقش در جامعه و بهره‌برداری از نهادهای محلی به قرار زیر است:

۱- برخورداری از دانش و مهارت لازم برای مشارکت و ایجاد شبکه ارتباط اجتماعی، به منظور برقراری تماس با سایر افراد و دسترسی به منابع (مهارتهای ارتباطی: ارتباط‌گیری و ارتباط پذیری).

۲- برخورداری از دانش و مهارتهای لازم برای ایفای نقش شهروندی، تا بتوانند به افرادی کارساز و اثربخش در نظام اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند.

۳- برخورداری از دانش و مهارتهای مشارکتی - موردنیاز برای حضور خودجوش، داوطلبانه و آگاهانه در طرحهای عمرانی، خدماتی (خودیاری محلی)، حضور در سازمانهای توسعه محلی، عضویت در شوراهای اسلامی روستا، انجمن‌ها و مانند اینها.

۴- برخورداری از دانش و مهارتهای لازم برای برقراری ارتباط مستمر و پی‌گیر با دستگاهها و نهادهای دولتی متولی توسعه روستایی، مثل بانک کشاورزی به منظور بهره‌گیری و بهره‌مندی مطلوب از اقدامات توسعه‌ای آنها و از جمله اخذ تسهیلات اعتباری.

۵- برخورداری از دانش و شناخت طرحهای کوتاه‌مدت و بلندمدت توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی، به منظور تنظیم رفتار اقتصادی - اجتماعی خود در عرصه‌های زیستی و فعالیتی و غیره.

۳- حیطه شناختی روستائیان در زندگی حرفه‌ای:

در آغاز هزاره سوم میلادی، چشم‌انداز زندگی انسان و بویژه در عرصه‌های کاری و حرفه‌ای، متأثر از الزامات جامعه اطلاعاتی، دچار تحول و دگرگونی شده است. هم‌اکنون اقتصادها، روابط کاری و حرفه‌ای در سراسر جهان به یکدیگر وابسته شده‌اند و در سیستمی که هندسه آن همواره در حال تغییر است، صور جدیدی از مناسبات میان کنشگران عرصه‌های مختلف، اقتصاد، دولت، تجارت و بازاریابی، بانکداری و غیره در حال ظهور و بروز است. و لذا امروزه در متون و ادبیات مربوطه، واژه‌هایی همچون، اقتصاد دانایی یا اقتصاد دانش محور^۱، دولت الکترونیک، بانکداری الکترونیکی یا دور بانکداری^۲، و مانند اینها به واژه‌هایی رایج تبدیل شده‌اند. این بدان معناست که روستائیان امروز نمی‌توانند صرفاً با اتکاء بر دانش موجود یا داشته‌های ذهنی و یا براساس قاعده آزمون و خطا، دانش بومی و تجربیات به انجام امور در زمینه‌های مختلف و از جمله امور حرفه‌ای خود مبادرت ورزند.

(Rinkerton.J.R, Glazier.J.D, (1993)، (انگبرگ، لیل، ۱۳۷۷، ص ۱۸). (هیل، مایکل، و، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

بنابراین، هر روستایی برای انجام بهتر امور زندگی و نقش آفرینی متناسب با شرایط عصر و سلطه اطلاعات و دانش،

1 - Knowledge economy
2 - Tel-banking

الزاماً به مجموعه‌های دانش در زمینه‌های مختلف و بویژه در زمینه حرفه‌ای خود نیازمند است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان، برخی از نیازهای اطلاعاتی روستائیان برای ایفای نقش فعال در امور حرفه‌ای، امرار معاش و اقتصاد بازار را به شرح ذیل بیان نمود:

۱- برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم در زمینه کاربرد تکنولوژیهای مدرن در امور مختلف کشاورزی، صنایع روستایی و غیره.

۲- برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم در کسب رفتارها و روابط کاری متناسب با الزامات عصر اطلاعات.

۳- برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم برای مدیریت بهینه فعالیتهای اقتصادی - تولیدی.

۴- برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم برای تلفیق فعالیتهای بازار و غیر بازاری.

۵- برخورداری از دانش و مهارت‌های ارتباط‌گیری، مذاکره، مباحثه، جهت برقراری زنجیره‌های ارتباطی با شبکه‌های اقتصاد منطقه‌ای، ملی، جهانی، بویژه در زمینه بازاریابی و عرضه محصولات تولیدی.

۶- آگاهی از فرصت‌ها و پتانسیلهای متنوع محیطی در محل سکونت خود:

جوامع روستایی باید یاد بگیرند که خودشان، نیازها، گزینه‌ها، فرصتها، منابع و امکانات محلی را شناسایی و ارزیابی

کنند (Farrington.J, christoplos. I, kidd.A. D, Beckman. M, (2002),p.14).

در این ارتباط کرزنر^۱، معتقد است که مشکل اصلی اقتصاد هر جامعه‌ای و بویژه در سطح جوامع محلی، همانا عدم درک، شناخت و بهره‌برداری بهینه از آنهاست. به این اعتبار، روستائیان برای درک، شناخت و بهره‌برداری خردمندانه از منابع محلی به ترکیبی از اطلاعات، دانش، سرمایه، و غیره نیاز دارند (آید. دانیل تیلر، تیلر، کارل ای، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

از دیدگاه دانش جغرافیا، برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، مداخله، اقدام و عمل توأم با اطلاع انسانها در محیط که از آن به برقراری بهینه مناسبات متقابل انسان و محیط یاد می‌شود، به گونه‌ای که انسان ضمن برخورداری کامل از ظرفیتهای محیطی، تعادل محیط‌زیست را نیز حفظ نماید، از نمودهای توسعه است (احمد پور داریانی، محمد، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

بنابراین، از آنجا که انسان‌ها، دانش خود را طی یک تعامل و ارتباط تنگاتنگ و خردمندانه با محیط پیرامونشان گسترش می‌دهند و از این طریق درصد هستند تا با افزایش شناخت و آگاهی خود، پیش‌بینی‌ها و ادراک خود از محیط را افزایش دهند تا بتوانند به خوبی آن را کنترل کنند، لذا، هر چه انسانها، درک و شناخت و بصیرت لازم را از حقایق و قانونمندیهای حاکم بر محیط پیرامون خود داشته باشند، بهتر به اهداف موردنظر خود در محیط خواهد رسید.

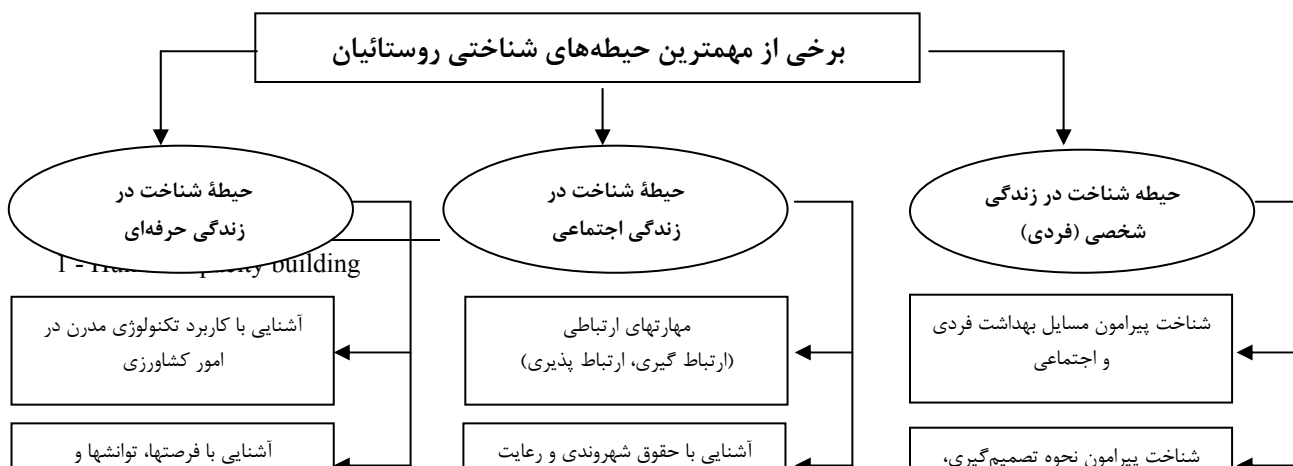
۷- برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت خودجوش و آگاهانه در تشکیل و مدیریت سازمانهای خودیاری و تشکلهای جمعی از جمله تعاونیها.

صورت‌های گوناگون تواناییهای نهفته انسان با ایجاد فرصتهایی برای خود یاری پرورش می‌یابد. از این رو خمیر مایه اصلی غالب نظریه‌های نوین توسعه روستایی، انگیزش استعدادهای نهفته محلی و ایجاد و تقویت آن دسته از نهادها، سازمانها و تشکلهایی است که «خودیاری» را نقطه اشتراک خود قرار داده‌اند، می‌باشد (هجرتی، محمدحسن، ۱۳۷۹، ص ۲۹).

نگرش فوق از این ایده اساسی نشأت می‌گیرد که ظرفیت و توانایی خوداتکایی در محرومان، اغلب از طریق نهادسازی و تلاشهای گروهی شکل گرفته و گسترش می‌یابد. در این راستا، در یکی از گزارشهای سازمان جهانی کار چنین آمده است: «شرکت در حرکتها و تلاشهای جمعی، باید زاینده نیاز و ضرورتی باشد که مردم روستایی در درون خود احساس می‌کنند و نه اجبار» (پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، ص ۳۵).

بر این اساس می‌توان گفت، مشارکت داوطلبانه و آگاهانه افراد (روستائیان) دو شرط اساسی در پیوستن به تشکلهای جمعی می‌باشد. لذا با توجه به اینکه فلسفه ظرفیت‌سازی انسان^۱ در مکتب آموزشی ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی به طور کلی آن است که اجتماعات روستایی را ترغیب کند تا با سبکها و مدیریت گروهی، شخصی و فردی خودشان آشنا شوند و مهارتهای موردنیاز در زمینه برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت را کسب و در وجود خود تقویت کنند (کوهن، یوهانس، ۱۳۷۹، ص ۵۲۳). لذا ضروری است در تهیه و تدوین استراتژیهای آموزشهای غیر رسمی و ترویجی - اطلاع‌رسانی روستایی به مقوله فوق توجه بایسته و شایسته صورت گیرد. (فاضل نیا، غریب، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا و توسعه ۱۳۸۶).

شکل (۱): برخی از مهمترین حیطه‌های شناختی روستائیان در سه سطح زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای



نتیجه گیری و پیشنهاد:

ضرورتها و اهداف اقدامات ترویجی - اطلاع رسانی به روستائیان:

به عنوان یک اصل، در توسعه باید، بیشتر به ایجاد، پرورش و یا ارتقاء آن دسته از متغیرهایی نظر و توجه داشت که گسترده‌تر، دائمی‌تر، فناپذیرتر، همگانی‌تر و مولدتر باشد. در بین همه متغیرهای کیفی ارتقاء بخشی، عنصر دانایی و آگاهی، مردمی‌ترین، و در عین حال ذاتاً انحصار ناپذیرترین و پایان‌ناپذیرترین منبع قدرت و ثروت محسوب می‌شود.

درباره اهمیت دانایی میخائیل گورباچف، آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی (سابق) اینچنین می‌گوید: «ما تقریباً آخرین کسانی بودیم که درک کردیم در عصر علوم اطلاعاتی، گرانترین دارایی، دانایی است» (سوانسون، برتون‌ئی، بنتز، رابرت پی، سوفرانکو. اندروجی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۲).

به هر طریق، انسان امروزی، بدرستی، اهمیت دانش و اطلاعات را بیش از پیش درک کرده و دریافته است که انجام بسیاری از کارها، صرفاً براساس تجربه، اندوخته‌های ذهنی و قاعده‌آزمون و خطا میسر نبوده و یا دست کم بازدهی مطلوب را در پی نخواهد داشت. لذا متقاعد شده است که پیشرفتهای آینده را نه کار عضلانی، بلکه کار مغزی و دریافتهای دقیق علمی رقم می‌زند. بنابراین پذیرفته است که اکنون زمانی است که باید برای انجام هرکاری و خدمتی، اطلاعات صحیح و کافی را از منابع مختلف بدست آورد. بدینسان تقاضا برای جست و جو و کسب اطلاعات برای افراد بشر و بویژه روستائیان یک دغدغه اساسی است.

کمال مطلوب آن است که مردم روستایی، بتوانند خود مسایل و نیازهای خود را تشخیص دهند. لیکن معمولاً وقتی آنها برای بهبود وضعیت موجود خود و محیط پیرامون، با روشها و فنونی مواجه می‌شوند که ورای سطح معلومات و دانش تجربی و سنتی آنهاست، همدستی و یاری را باید به معنای کمک کردن به آنها تلقی کرد، نه کنترل آنها (مک دونالد. آیان، هیرل. دیوید، ۱۳۷۶، ص ۲). این بدان معناست که شاید مهمترین کاری که دیگران (مسئولان و دست‌اندرکاران توسعه روستایی) برای روستائیان می‌توانند انجام دهند این است که به آنها کمک کنند تا به «خود» «یاری» کنند، خود را در رویارویی نقاد آگاهانه با مسایل قرار دهند و از همه مهمتر، خود را نمایندگان «بازسازی» خویش قرار دهند (فریره. پائولو، ۱۳۶۸، ص ۴۲).

براین اساس می‌توان گفت، مجموعه اقدامات مبتنی بر آموزشهای غیر رسمی، ترویجی - اطلاع رسانی روستایی که در نهایت به ارتقاء سطح دانش، آگاهیها و توسعه دامنه اطلاعاتی ساکنین نواحی روستایی می‌انجامد، راهبردی اساسی است که ایشان را در برقراری یک تعامل سازنده و پایدار با محیط پیرامون و شرایط همواره در حال تغییر مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یاری کرده و به مثابه محرکی انگیزشی، روستائیان و مناطق روستایی را از قید «بی‌خبری و ناآگاهی» (شهبازی، اسماعیل، ۱۳۷۵)، صص ۲۰-۲۱، رها نیده و آنها را با قافله و تمدن در حال پیشرفت بشری همراه و همگام می‌سازد. بدون شک نتیجه‌گایی اقدامات مبتنی بر آموزشهای غیر رسمی، ترویجی - اطلاع رسانی روستایی تحقق جامعه اطلاعاتی روستایی را - که پویایی، تحرک و نقش آفرینی متناسب با شرایط زندگی در عصر اطلاعات و ارتباطات از مشخصه‌های بارز آن است - در پی خواهد داشت.

منابع ماخذ:

۱. آید. دانیل، تیلر، کارل ای، (۱۳۷۸)، توسعه انسانی پایدار متکی بر جامعه، مترجم: ناصر بلیغ، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران، چاپ اول، تهران.
۲. احمد پور دارایانی، محمد، (۱۳۷۹)، کارآفرینی: تعاریف، الگوها، چاپ دوم، انتشارات شرکت پردیس ۵۷، تهران.
۳. ادگار، مورن، (۱۳۷۴)، روش شناخت شناخت، مترجم: علی اسدی، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران.
۴. ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات مؤسسه نشر کلمه، چاپ اول، تهران.
۵. انگبرگ، لیل، (۱۳۷۷)، نقش خانوارهای روستایی و تخصیص منابع در توسعه (رهنمودهایی برای یادگیری و یاددهی)، مترجم: غلامحسین صالح‌نصب، ناشر: معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهاد کشاورزی، خدمات نشر شرکت نقش آفرین، چاپ اول.
۶. باتملی. ترور، (۱۳۸۲)، مؤسسات کشاورز - محور برای توسعه کشاورزی، فعالیت تعاونی‌ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی، مترجمان: علی کمالی، مهدی گنجیان، محمد اسماعیل نوشمند، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴۷.
۷. بورن. آد، (۱۳۷۹)، بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، مترجم: مهر سیما فلسفی، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، تهران.
۸. پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۹. پویان، حسن، (۱۳۷۹)، آموزش برای یک آینده پایدار، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
۱۰. پیر بابایی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، «ظرفیت‌سازی در ابتکارات توسعه روستایی، نمونه موردی: طرح توسعه منطقه‌ای سلسله»، کنگره توسعه روستایی. چالش‌ها و چشم‌اندازها، دانشگاه تهران، تیر ماه.
۱۱. پیربابایی، محمدتقی، (۱۳۸۱)، «ظرفیت‌سازی در برنامه‌های پنج ساله توسعه و چالش‌ها و چشم‌اندازهای آن در توسعه روستاهای کشور»، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، تهران، ۱۵-۱۲، اسفند.
۱۲. توکل، محمد، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی علم، چاپ اول، انتشارات حدیث، تهران.
۱۳. حمیدی، علی. علی حمیدی، منصور، (۱۳۷۶)، پرورش بینش علمی در آموزش و پرورش، جنگ مقاله‌ها، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران.
۱۴. ستاری فر، محمد، (۱۳۷۴)، درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران.
۱۵. سوانسون، برتون ئی، بنتز، رابرت پی، سوفرانکو. اندروجی، (۱۳۸۱)، بهبود ترویج کشاورزی، مترجمان: غلامحسین صالح‌نصب، رضا موحدی، اسماعیل کرمی دهکردی، انتشارات خوشبین، چاپ اول، تهران.
۱۶. شهبازی، اسماعیل، (۱۳۷۵)، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۱۷. شریعتمداری، علی، (۱۳۶۴)، فلسفه، چاپ چهارم، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۸. طاهری آکردی، حبیب‌الله، (۱۳۶۱)، شناخت شناسی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه در راه حق، تهران.
۱۹. عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲۰. فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از بخش تعاون و ارائه الگوی راهبردی، با تأکید بر عوامل محیطی، مطالعه موردی استان سمنان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۱. فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۶)، «چارچوب الگوی بهینه نظام برنامه ریزی ترویج تعاون در مناطق روستایی استان سمنان»، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۴، زمستان، صفحات ۶۷-۸۶.
۲۲. فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۶) «تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از بخش تعاون. مورد شناسی: استان سمنان»، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۵۴-۳۷.
۲۳. فاضل نیا، غریب، افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، (۱۳۸۴)، تبیین نظریه ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از توانشهای خود و محیط پیرامون، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس، دوره نهم، شماره اول، پیاپی ۳۸، بهار.
۲۴. فریره. پائولو، (۱۳۶۸)، آموزش شناخت انتقادی، مترجم: منصوره (شیوا) کاویانی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آگاه، تهران.
۲۵. کوهن، یوهانس، (۱۳۷۹)، سازمانهای تعاونی برای توسعه روستایی: جنبه‌های سازمانی و مدیریتی، مترجم: مهرداد نغزگوی کهن، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۶، چاپ اول، تهران.
۲۶. محسنی، منوچهر، (۱۳۷۵)، مبانی آموزش بهداشت، چاپ دوم، انتشارات طهوری، تهران.
۲۷. مک دونالد. آیان، هیرل. دیوید، (۱۳۷۶)، مهارتهای ارتباطی در خدمت توسعه روستایی، مترجم: منصور شاه‌ولی، چاپ اول، ناشر: معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
۲۸. ویندال. سون، سیگنایتر. بنو، اولسون. جین، (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه‌های ارتباطات «مقدمه‌ای برای ارتباطات برنامه‌ریزی شده»، مترجم: علیرضا دهقان، چاپ اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
۲۹. هجرتی، محمدحسن، (۱۳۷۹)، جغرافیا و توسعه روستایی «بررسی موردی منطقه گناباد»، ناشر: مرکز فرهنگی آبا، چاپ اول، تهران.
۳۰. هیل، مایکل. و، (۱۳۸۱)، تأثیر اطلاعات بر جامعه، مترجم: محسن نوکارتی، چاپ اول، انتشارات نشر چاپار، تهران.

- Afshar. H, (1998) women and empowerment, illustrations from the third world, Macmillan Press Ltd, university of York.
- Baker. H.R, (1987), Future Options and Prospects in rural extension and technology transfer, occasional paper in rural extension, No.1, University of Guelph, Ontario, Canada.
- Denmark.K.S.E,(2003), understanding the concept of capacity building and the nature of land administration systems, FIG working week 2003, Paris, France, , www.land.auc.dk/Denmark.
- Farrington.J, christoplos. I, kidd.A.D, Beckman .M, (2002), Can extension contribute to rural Poverty reduction? Synthesis of a six-country study, Network paper, No.123.
- Murray. M, Dunn.L, (1995), "Capacity building for rural development in the united states", Journal of rural studies, vol.11, No.1, P.89-97.

- Narayan. D, (2002), Empowerment and Poverty reduction: A sourcebook, PREM, World Bank, may 1.
- Ramani. G, (1999), "Rural infrastructure Programmes for poverty reduction" Policy form the SRI LANKAN EXPERIENCE, institute of policy, Colombo, sri Lanka.
- Rinkerton.J.R, Glazier.J.D, (1993)," Extending information resource in rural areas", Journal of extension, Vol.31, No.2.
- Stein. J, (1997), Empowerment and women's Health, theory, Methods and Practice, zed book Ltd.

Identification and Classification of Rural People cognitive and Information needs on Personal, Social and Professional Life domains

Dr.Gharib Fazelnia

Assistant Professor of Geography and Rural Planning, University of Zabol .Iran

E-mail:dr.fazelniya@gmail.com

E-mail:gharibfaz@gmail.com

Abstract

We live in the era that "reading the word" is replaced by "reading the world" to serve as the basic condition for survival of nations, communities and realizing the dialogue between individuals, policy makers, organizations, institutions and even civilizations. In addition, since economic, social, cultural, and political progress of communities (urban and rural), mostly depend on free and conscious participation of their citizens, promoting rural people's knowledge and awareness thus deems highly important and worthy. This requirement has had especially in recent years. It is thought that the rural people's knowledge and awareness and generally gaining knowledge and awareness in various fields can equipped them in confrontation to their life challenges (personal, social and professional). This means that the range of rural people's knowledge and awareness is different and there exists diverse range of knowledge and awareness topics based on requirements of rural livelihoods. Generally, once rural people are acquainted with their requirements and promote their knowledge and awareness, they will be able to think, decide, and act wisely. Normally, promoting rural people's knowledge and awareness entails an efficient approach and action plan. Meanwhile, it is considered and proposed that the rural extension approach is assumed as a strategic approach to promote rural people's knowledge and awareness which is expected by using it rural people shall be able to establish a stable and constructive interaction with the environment and conditions of economic, social, political, and cultural relations. The first step in developing optimal action plans for rural people's knowledge and awareness may be explanation, identification, and classification of rural people's knowledge, awareness and information needs on personal, social and professional life domains. On the basis of scientific literature reviews and results from field studies, this article is prepared. The result of this article can be used in devising optimal action plans for up-scaling rural people's knowledge and awareness.

Key words: Identification, Classification, Knowledge, Awareness and Information needs, Personal, Social and Professional Life.